



The Role Of Urban Management In Improving The Quality Of Public Spaces In Tabriz Metropolis With An Emphasis On Social And Cultural Development

Fozieh Khayat Kalibar¹, Arash Saghafi Asl^{2*}, Masoud Haqlesan³, Hasan Sattari Sarbangholi⁴

(Received Date: 2024/09/30 - Accepted Date: 2025/02/23)

Abstract

The manifestation of rapid socio-cultural transformations and population growth in the 21st century has increasingly highlighted the demand for high-quality public spaces within communities. This research seeks to examine the role of urban management in enhancing the quality of public spaces with a focus on social and cultural development, particularly in the metropolis of Tabriz. Utilizing a mixed-methods approach, incorporating both qualitative and quantitative studies, this research identifies and evaluates the role of urban management in this area. The findings indicate that urban management plays multiple roles in improving the quality of public spaces, including policy-making, planning, execution, maintenance, setting standards, acting as a catalyst, and facilitating social and cultural development. Data analysis reveals that policy-making acts as the primary driver in enhancing the quality of public spaces. Additionally, active participation by citizens in decision-making and project implementation has been recognized as a key factor in improving the quality of these spaces. This study emphasizes the importance of a comprehensive and integrated approach to managing public spaces within communities. Achieving high-quality public spaces requires attention to all socio-cultural, economic, and political dimensions, as well as collaboration among stakeholders, including urban managers, citizens, and various professionals. As such, this research serves as a reference for policymakers and urban managers aiming to improve the quality of urban public spaces. The findings can be used to develop long-term plans for enhancing public spaces and assessing the performance of urban management in this field.

Keywords: Social-Cultural, Public Spaces, Urban Management, Community, Tabriz Metropolis.

* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Fozieh Khayat Kalibar', Titled "*Recognizing And Explaining The Role Of Urban Management In Improving And Enhancing The Quality Of Public Spaces In Iranian Metropolises (Case Study: Tabriz Metropolis)*", Under The Supervision Of 'Dr. Arash Saghafi Asl', & 'Dr. Masoud Haqlesan', & Advisory Of 'Dr. Hasan Sattari Sarbangholi'.

¹Ph.D. Student In Urban Designing, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. khayatfozieh@gmail.com

² Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author: a.saghafi@iaut.ac.ir)

³ Assistant Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran. ma.haghlesan@iau.ac.ir

⁴ Associate Professor Of Architecture & Urban Planning Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. sattari@iaut.ac.ir

نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی

فوزیه خیاط کلیر^۱، آرش ثقفی اصل^۲، مسعود حق لسان^۳، حسن ستاری ساربانقلی^۴
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵)

چکیده

نمود تحولات اجتماعی-فرهنگی سریع شهری و افزایش جمعیت در اقرن حاضر، تقاضا برای فضاهای عمومی در اجتماع باکیفیت را بیش از پیش آشکار ساخته است. پژوهش موردتبیین در این رستا به دنبال واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی در اجتماع به ویژه در کلان شهر تبریز تلاش است. طوری که از روش ترکیبی شامل مطالعات کیفی و کمی، این تحقیق به شناسایی و ارزیابی نقش مدیریت شهری در این حوزه پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی دارای نقش های چندگانه ای است که عبارت انداز: سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کاتالیزور کیفیت و نقش مشارکتی در توسعه اجتماعی و فرهنگی. نتایج حاصل از تحلیل داده ها حاکی از آن است که سیاست گذاری به عنوان محرک اصلی در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی ایفای نقش می کند. همچنین، مشارکت فعال اجتماعی شهروندان در فرایندهای تصمیم گیری و اجرای پروژه ها به عنوان عاملی کلیدی در بهبود کیفیت این فضاها شناخته شده است. به طور خاص، این جستار بر اهمیت رویکردی جامع و یکپارچه در مدیریت فضاهای عمومی در اجتماع تأکید دارد. به بیانی، برای دستیابی به فضاهای عمومی باکیفیت، لازم است که تمامی ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی، مورد توجه قرار گیرد و همکاری بین تمامی ذی نفعان از جمله مدیران شهری، شهروندان و متخصصان مختلف برقرار شود. بدین سان، این پژوهش به عنوان یک مرجع علمی برای سیاست گذاران و مدیران شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری عمل می کند. نتایج این تحقیق می تواند در تدوین برنامه های جامع و بلندمدت برای بهبود فضاهای عمومی شهری و ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اجتماعی-فرهنگی، فضاهای عمومی، مدیریت شهری، اجتماع، کلان شهر تبریز

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «فوزیه خیاط کلیر»، با عنوان «تساخت و تبیین نقش مدیریت شهری در بهبود و ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهرهای ایران (نمونه موردی: کلان شهر تبریز)»، است که به راهنمایی «دکتر آرش ثقفی اصل»، و «دکتر مسعود حق لسان»، و مشاوره «دکتر حسن ستاری ساربانقلی»، استخراج شده است.

khayatfozieh@gmail.com

a.saghafi@iaut.ac.ir

ma.haghlesan@iaut.ac.ir

sattari@iaut.ac.ir

۱ دانشجوی دکتری طراحی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲* دانشجویار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ استادیار گروه معماری، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران.

۴ دانشجویار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱- مقدمه

دگرگونی‌های اجتماعی-فرهنگی و تحولات شتابان شهرنشینی در قرن ۲۰ میلادی، و آغاز هزاره سوم، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای مدیریت شهری به‌ارمغان آورده است. افزایش جمعیت شهری، پیچیدگی ساختارهای اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی و تغییرات اقلیمی، همگی بر کیفیت زندگی شهری و به‌ویژه فضاهای عمومی در اجتماع تأثیر گذاشته‌اند (Tonneet al, 2021). در این میان، نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌دهی هویت فرهنگی و پایداری اجتماعی شهرها مطرح می‌شود. مفهوم مدیریت شهری در دهه‌های اخیر تحولات چشمگیری را تجربه کرده است. تلاش برای پاسخ‌گویی به مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه شهرها، منجر به شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در مدیریت شهری شده است (Jeppesen, Andersen, Madsen, 2006). تحولات اجتماعی، تکنولوژیکی و سیاسی نیز بر شیوه تولید، بازتولید و مدیریت فضاهای عمومی تأثیر گذاشته‌اند. با این حال، علی‌رغم اهمیت فضاهای عمومی در زندگی شهری، مطالعات اندکی به‌بررسی دقیق نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری پرداخته‌اند. بسیاری از متفکران شهری بر کاهش کیفیت فضاهای عمومی در ابعاد مختلفی همچون عمومی بودن، عدالت فضایی، تنوع اجتماعی و اصالت تأکید کرده‌اند (Tibbalds, 2012). در دنیای امروز، مدیریت فضاهای عمومی به‌عنوان یک فرایند پیچیده و چندجانبه در نظر گرفته می‌شود که در آن، بازیگران مختلفی همچون دولت، بخش خصوصی و شهروندان نقش‌آفرینی می‌کنند (Madanipour, 2010). با وجود مطالعات گسترده در زمینه فضاهای عمومی، هنوز پرسش‌های بسیاری در مورد ماهیت مدیریت فضاهای عمومی و نقش مدیریت شهری در این حوزه باقی مانده است. این پژوهش باهدف پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، به‌واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. با بهره‌گیری از رویکردهای کمی و کیفی، این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی و ارزیابی نقش مدیریت شهری در این زمینه در اجتماع است.

۲- مطالعات نظری

۲-۱- تبیین مدیریت شهری با ابعاد اجتماعی و فرهنگی

مدیریت شهری را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل بین نهادهای رسمی حکومت شهری و بازیگران غیررسمی جامعه مدنی با گستره اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفت که بر شکل‌گیری و اداره شهر تأثیر می‌گذارد (برک‌پور، اسدی، ۱۳۹۰). در این میان، مدیریت فضاهای عمومی شهری به‌عنوان حوزه حاکمیتی، فضایی را فراهم می‌آورد تا مطالبات متنوع ذی‌نفعان و نیازهای متغیر فضاهای عمومی در قالب فرایندها و مکانیزم‌های مشخص بیان و پیگیری شوند (Carmona, 2010). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی اخیر در مدیریت فضاهای عمومی شهری نشان می‌دهد که الگوی سنتی مبتنی بر



تمرکزگرایی و کنترل دولتی جای خود را به رویکردهای مشارکتی داده است. در یک دهه گذشته، شاهد افزایش مشارکت بخش خصوصی، سازمان‌های عمومی، گروه‌های جامعه مدنی و سایر ذی‌نفعان در فرایند تولید و مدیریت فضاهای عمومی شهری در اجتماع بوده‌ایم. این تغییر الگو، ناشی از تحولات گسترده‌تر در روابط دولت و جامعه و تمایل روزافزون به مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری است (Chien, 2024). این تحولات بر شیوه اداره فضاهای عمومی و ارائه خدمات شهری تأثیر گذاشته و منجر به شکل‌گیری الگوهای جدیدی از مشارکت و همکاری بین دولت، بازار و جامعه شده است (Hallanaro, 2024).

۲-۲- کیفیت فضاهای عمومی شهری با نمود پیوندهای اجتماعی و فرهنگی

فضاهای عمومی به‌عنوان هسته مرکزی محیط‌های شهری، میزبان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند (Lara-Hernandez, Melis, Coulter, 2020). این فضاها شکل‌دهنده جامعه هستند و با روابط قدرت، اولویت‌ها و ترس‌های جامعه شکل می‌گیرند. فضاهای عمومی موفق، ویژگی‌های مشترکی دارند که آن‌ها را از سایر فضاها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها شامل؛ طراحی جذاب، برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت کارآمد و قابلیت تطبیق با نیازهای مختلف کاربران است (Stevens, 2017). کیفیت فضاهای شهری، جنبه‌ای از کیفیت زندگی است که احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی فضایی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی، زیست‌محیطی و سمبلیک محیط زندگی‌شان را دربرمی‌گیرد (قلندریان، ۱۳۹۷؛ پاکزاد، ۱۳۹۵؛ رفیعیان، عسگری، عسگری‌زاده، ۱۳۸۸). کیفیت-در فرهنگ معین؛ به معنای صفت و چگونگی است. کیفیت-در زبان لاتین؛ به معنای ماهیت، نوع یا خصوصیت یک شیء به کار می‌رود. پژوهشگران مختلف، معیارهای متعددی را برای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده ماهیت چندبعدی این مفهوم است (Carmona, 2014; Praliya, Garg, 2019). در بررسی ماهیت چندبعدی فضاهای عمومی شهری و معیارهای اثرگذار بر کیفیت آن‌ها، بسیاری از محققان بر اهمیت تلفیق طراحی و مدیریت در شکل‌دهی فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر، کیفیت-یک فضای عمومی نه تنها به ویژگی‌های کالبدی آن، بلکه به فرایندهای طراحی، ساخت و مدیریت آن نیز بستگی دارد. از سویی دیگر، در قرن حاضر و به ویژه در ایران فضای عمومی متأثر از جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی است (طغیانی، رنجبر، کاظمی، ۱۴۰۱). لذا، به نظر می‌آید مفهوم کیفیت فضای عمومی و مطالعه وابسته آن همچون ارزیابی کیفیت نیاز به تغییر نگرش‌های پایه‌ای است که می‌توان برپایه (جدول ۱)، مورد بررسی قرار داد.

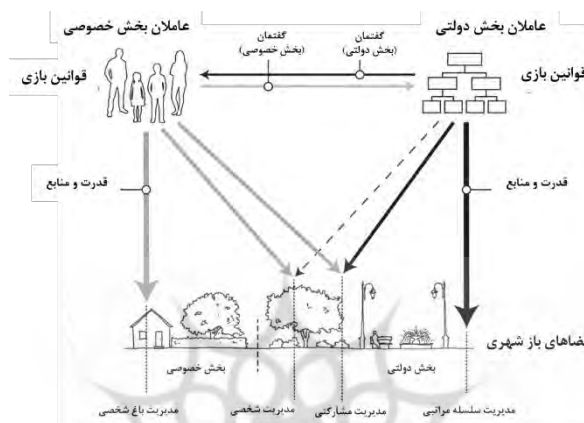
جدول ۱: مفاهیم شکل‌دهنده در ارتباط با چارچوب مدیریت فضاهای عمومی شهری با گستره اجتماعی و فرهنگی
(مأخذ: برداشت معنایی نگارندگان، ۱۴۰۳؛ Zamanifard et al., 2018)

نگارنده	تأکید	ابعاد مرتبط با مدیریت
Carmona (2014)	طراحی شهری	بستر، قدرت، سیاست، اقدام
De Magalhães, Carmona (2009)	مدیریت فضاهای عمومی شهری	مدل‌های مدیریت، فعالیت‌های مدیریتی
Healey (2010, 2015)	توسعه شهری	مدیریت مکان؛ شرایط اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی؛ ساختار قدرت؛ جامعه مدنی؛ روابط سهام‌داران
Rhodes (1997, 2007)	حکمرایی	شبکه‌های فعالان؛ روابط بین عاملان؛ ارائه خدمات عمومی؛ نوع‌های مدیریت
Pierre (1999, 2005, 2014)	حکمرایی شهری	نیروهای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک؛ مدل‌های مدیریت شهری؛ اهداف کلی؛ ابزارها؛ نتایج
Coaffee & Healey (2003)	مدیریت مکان	تحلیل نهادی؛ شکل‌گیری اجتماعی؛ ظرفیت مدیریت؛ مکان؛ ساختار روابط و شبکه‌سازی
Adams & Tiesdell (2013)	طراحی شهری و فرایندهای توسعه	عوامل و سهام‌داران و نقش آن‌ها در توسعه؛ اقدامات توسعه و مدل‌های توسعه؛ روش‌های مدیریت
Harvey (1989)	سرمایه اقتصادی و مدیریت شهری	تحول مدیریت شهری؛ تأثیرات اقتصادی و سیاسی
Carmona (2016)	طراحی شهری و مدیریت	انگیزه‌های مداخله؛ کیفیت طراحی (با تعریف بسیار گسترده آن)؛ اختیار؛ قدرت؛ عملیات؛ ابزارهای مدیریت؛ ابزارهای رسمی و غیررسمی مدیریتی
Kent (2019)	مکان‌سازی	ظرفیت جامعه؛ مدیریت؛ عملیات پایین‌به‌بالا و مبتنی بر مکان
Stoker (1998)	مدیریت (حکمرایی)	مفهوم مدیریت؛ عوامل خارج از دولت؛ اهمیت قدرت در روابط بین عوامل؛ شبکه‌های خودمدیریتی عاملان؛ ظرفیت مدیریت
Cuthbert (2007)	طراحی و برنامه‌ریزی شهری	نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری فضاهای شهری؛ ارتباط بین طراحی شهری و سیاست
Webster (2007)	حقوق مالکیت و فضاهای عمومی شهری	اهمیت مصرف در مدیریت فضای عمومی؛ تراژدی مشترکات؛ اقتصاد فضای عمومی
Hambleton (2015)	رهبری محلی و مکان‌سازی	نتیجه (همه‌گیری و عدالت)؛ ویژگی‌های خوب مدیریت شهری؛ عوامل (جامعه مدنی، دولت، بازارها)؛ دولت محلی
González & Healey (2005)	نظریه‌سازمانی و سرمایه مدیریت	نقش نهادها؛ روابط و تعاملات بین عوامل؛ زمینه‌ها؛ گفتمان‌ها (قابلیت‌بندی مسائل، مشکلات، راه‌حل‌ها، منافع)؛ ساختار قدرت؛ زمینه تاریخی و جغرافیایی؛ شیوه‌های عملی (فعالیت‌ها)؛ دیدگاه‌های عاملان؛ احساس تعلق

۲-۳- رویکردهای مدیریت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی

مدیریت فضاهای عمومی شهری، به عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای با تأثیر و تأثر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این حوزه، به طور فزاینده‌ای با چالش‌های پیچیده‌ای در اجتماع مواجه است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سیاسی و زیست‌محیطی است. همان‌طور که مطالعات متعدد نشان داده‌اند (Dempsey, Smith, 2014)، مدیریت این فضاها در یک بستر اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی پویا و پیچیده صورت می‌گیرد و به طور مستقیم با نیازهای متنوع و در حال تغییر شهروندان در ارتباط است. عواملی مانند؛ شهرنشینی فزاینده، مهاجرت و افزایش تراکم جمعیت، فشارهای بی‌سابقه‌ای بر فضاهای عمومی شهری وارد آورده‌اند. کاهش تنوع زیستی، کمبود فضاهای سبز و تقاضا برای عملکردهای چندگانه در فضاهای شهری، از مهمترین پیامدهای این تغییرات هستند (Low, 2023). این تحولات، لزوم بازنگری در رویکردهای سنتی مدیریت فضاهای عمومی و توسعه مدل‌های جدید و جامع را بیش از پیش آشکار می‌سازد (Randrup, Persson, 2018).

2009). مدیریت مؤثر فضاهای عمومی شهری، فرایندی پیچیده و چندجانبه است که شامل؛ برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی است. این فرایند با مشارکت فعال شهروندان و ذی‌نفعان مختلف در اجتماع صورت گیرد تا بتوان به نتایج مطلوب و پایدار دست یافت. ترکیب حاکمیت خوب با مدیریت مؤثر فضاهای عمومی، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای تحقق اهداف توسعه پایدار در شهرها تلقی شود برپایه (شکل ۱).



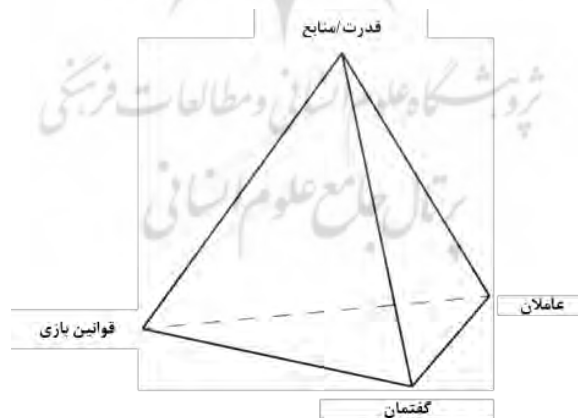
شکل ۱: مدل ترکیبی حکمروایی و مدیریت فضاهای عمومی شهری، دربردارنده ۴ بعد حکمروایی شهری: عاملان (کاربران و ادارات)، قدرت و منابع، قوانین و بازی‌ها و گفتمان‌ها که شکل‌دهنده فرایندهای مدیریتی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

مدیریت فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر، فراتر از یک وظیفه صرفاً فنی، به یک مسئله پیچیده اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است. طوری که بر اهمیت رویکردهای مشارکتی و حاکمیت چندلایه در مدیریت این فضاها تأکید کرده‌اند. مفهوم «حاکمیت مکان‌مبنا»، چارچوبی مفیدی برای درک تعاملات پیچیده میان عوامل مختلف درگیر در مدیریت فضاهای عمومی شهری فراهم می‌آورد. در این چارچوب، کاربران فضا به‌عنوان بازیگران فعال و تأثیرگذار شناخته می‌شوند و ارتباط متقابل آن‌ها با مدیران شهری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مدرن‌سازی کاربرمحور، تحولات چشمگیری در نحوه مدیریت فضاهای عمومی ایجاد کرده است. این رویکرد، چالش‌های جدیدی را برای مدیران دولتی و جامعه مدنی به همراه داشته و نقش آن‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا متحول ساخته است (Dempsey, Burton, 2012). در این راستا، تقویت مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان؛ ایجاد سازوکارهای تصمیم‌گیری مشارکتی و شفافیت در فرایندهای مدیریتی، از جمله الزامات اصلی برای دستیابی به مدیریت موفق فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شود برپایه (شکل ۲).



شکل ۱: منطق مدیریت راهبردی فضاهای عمومی شهری در سوبه اجتماعی و فرهنگی- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

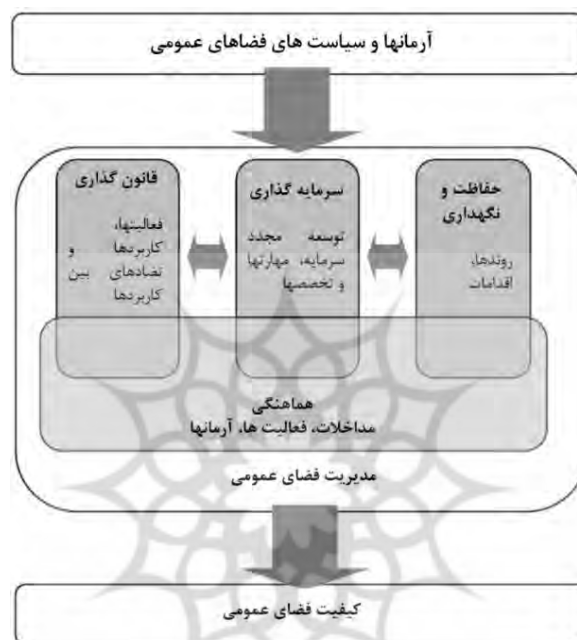
مدیریت فضاهای عمومی شهری، به عنوان یکی از مسائل کلیدی در برنامه ریزی شهری و ابعاد اجتماعی و فرهنگی، در سال های اخیر مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است. به طور خاص می توان اذعان داشت مطالعات انجام شده در این حوزه، مدل ها و چارچوب های مختلفی را برای تحلیل و مدیریت این فضاها ارائه کرده اند؛ متیو کارمونا و کلودیو دی ماگالهاس با رویکردی فرایندی، مدیریت فضاهای عمومی شهری را به ۴ مرحله اصلی تقسیم می کنند: ۱. تنظیم کاربری ها و مدیریت تعارضات، ۲. حفاظت از روتین ها و هویت مکان، ۳. سرمایه گذاری و تأمین منابع، و ۴. همکاری و مشارکت ذی نفعان در اجتماع (De Magalhães, Carmona, 2009). این پژوهشگران بر اهمیت تعامل و پیوستگی این ۴ مرحله در دستیابی به مدیریت موفق فضاهای عمومی شهری در گستره اجتماعی و فرهنگی تأکید دارند. به طور مشخص، رویکرد سلسله مراتب مدیریت فضاهای عمومی شهری را می تواند به ۳ سطح؛ راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی تقسیم بندی نمود. طوری که این تقسیم بندی نشان دهنده طیف گسترده ای از تصمیم گیری ها و اقداماتی است که از سطح کلان سیاست گذاری تا سطح اجرایی عملیات روزمره را در بر می گیرد (دبده، ۱۴۰۰). وی، با تأکید بر اهمیت مدیریت در تمام مراحل چرخ عمر فضاهای عمومی در اجتماع، از برنامه ریزی تا نگهداری، این مفهوم را به عنوان هدف نهایی فرایند طراحی و ساخت معرفی می کنند. همچنین بر نقش حیاتی مدیریت راهبردی در حفظ و توسعه کیفیت های بلندمدت فضاهای عمومی بر توسعه اجتماعی و فرهنگی تأکید داشته است (همان). در خصوص چارچوب حکمرانی و مدیریت فضاهای عمومی در این پژوهش حاکم از آن است که تنوع در ساختارهای حکمرانی از حکمروایی متمرکز تا حکمروایی مشارکتی می تواند بر نحوه مدیریت فضاهای عمومی تأثیرگذار باشد. طوری که برپایه (شکل ۳)، می توان روابط پیچیده بین چیدمان حکمرانی و مدیریت فضاهای عمومی را به تصویر کشید.



شکل ۲: مدل حکمروایی، ارتباط بین ابعاد سازمان دهی سیاست گذاری در اجتماع- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

به طور مشخص، با در نظر گرفتن پیچیدگی های موجود در مدیریت و حکمروایی فضاهای عمومی، ضرورت تدوین چارچوبی جامع برای تحلیل فرایندهای تصمیم گیری و تخصیص منابع در این فضاها می تواند برپایه

(شکل ۴)، قابل مطرح باشد. با تکمیل این چارچوب، فرایند شکل‌گیری فضاهای عمومی را به ۴ مرحله طراحی، توسعه، استفاده و مدیریت قابل تقسیم‌بندی بوده است. باتأکید بر نقش عوامل آگاهانه و ناآگاهانه در این فرایند، بر اهمیت درک پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر فضاهای شهری می‌توان تأکید داشت.



شکل ۴: مدل مدیریت فضاهای عمومی شهری در گستره تحولات اجتماعی و فرهنگی - (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۳- روش‌شناسی

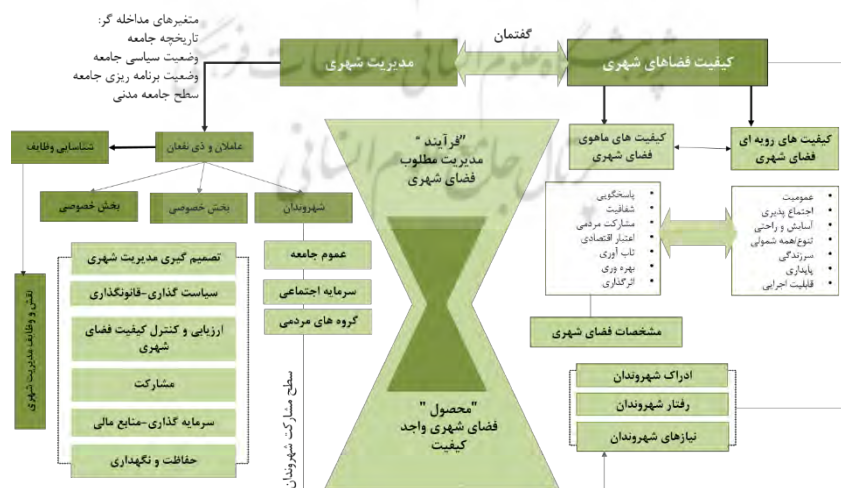
از آنجاکه مسئله اصلی این پژوهش نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی است، پرسش‌ها از نوع چابستی و چگونگی و مبتنی بر زمینه تدوین گردیده است. این مطالعه با رویکرد ترکیبی و روش‌های کیفی و کمی انجام شده است. طوری که برپایه (شکل ۴)، می‌توان اثبات این موضوع را مدنظر داشت. پس از مرور جامع در مطالعات نظری، مفاهیم اثرگذار شناسایی شده، سپس باهدف فهم تعامل ذهنی شهروندان با فضای شهری، شناخت تجارب افراد و شناسایی مفاهیم اثرگذار بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری از دریچه نگاه شهروندان در اجتماع از رویکرد کیفی استفاده شده، درنهایت تجميع مؤلفه‌های شناسایی شده در مطالعات نظری و کدگذاری کیفی، به صورت پرسشنامه کمی تدوین و براساس آزمون‌های آماری "SPSS"، وزن، اهمیت و میزان اثرگذاری هریک از ابعاد شناسایی و تبیین شده است. همچنین می‌توان گام‌های پژوهش را برپایه (جدول ۲)، اشاره کرد.

جدول ۲: گام های انجام شده جهت شناسایی مؤلفه های مدیریت شهری در ارتباط با کیفیت فضاهای عمومی شهری با تبیین توسعه اجتماعی و فرهنگی
(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

گام اول؛	گام دوم؛	گام سوم؛
مطالعات نظری عمیق و شناسایی ابعاد و مدیریت شهری مرتبط با کیفیت فضاهای عمومی شهری	مصاحبه های کیفی نیمه ساختاریافته با شهروندان و مدیران شهری در ارتباط با مؤلفه ها و نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی	تحلیل آماری و سنجش مؤلفه های مدیریت شهری اثرگذار بر کیفیت فضاهای عمومی شهری در اجتماع

۳-۱- جمع آوری داده های کیفی

روش تحلیل تماتیک به بررسی و توسعه نظریه مستتر از پدیده ها از طریق جمع آوری و تحلیل سیستماتیک داده ها می پردازد. این روش عمدتاً برای کشف منطق بین پدیده ها/در این پژوهش منطق بین مفاهیم تبیین کننده نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی/می پردازد. در این روش ابتدا داده ها از طریق مصاحبه های عمیق از مدیران شهری و شهروندان کلان شهر تبریز جمع آوری شده اند، سپس مفاهیم و یافته های به دست آمده کدگذاری طبقه بندی شده اند، در نهایت براساس تحلیل تماتیک، مدل نظریه ای پژوهش مبتنی بر لنز نظری شهروندان تبیین شده است، در این گام جمع آوری داده ها تا رسیدن به مرز اشباع نظری ادامه یافته است. از این رو ۲۸ مصاحبه عمیق با شهروندان و مدیران شهری بخش خصوصی و دولتی کلان شهر تبریز انجام شده است. در این پژوهش پرسش ها به صورت آنلاین و حضوری و گروه سنی ۱۸+ سال مدنظر بوده است. مصاحبه در بازه زمانی تابستان ۱۴۰۳ شمسی، انجام شده است. مصاحبه از هر فرد بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه زمان بر بوده است. از آنجاکه در روش تحلیل تماتیک نیاز به انتخاب تعداد دقیق نمونه که نشانگر ویژگی های جمعیت باشند، نمی باشند، تلاش شده است که توزیع برابری از افراد با گروه های سنی و جنسیتی مصاحبه شوند. برپایه (شکل ۵)، می توان چارچوب مفهومی ارزیابی این واکاوی را لحاظ نمود.



شکل ۳: چارچوب مفهومی ارزیابی نقش مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضای عمومی باتأکید بر ارسای توسعه اجتماعی و فرهنگی
(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

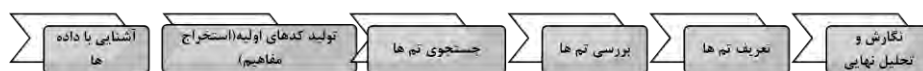
۴- نمونه مطالعه

جهت بررسی عمیق‌تر نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی با بازگفت توسعه اجتماعی و فرهنگی، مطالعه‌موردی بر روی کلان شهر تبریز به‌عنوان ۴مین کلان شهر پرجمعیت ایران انجام شده است. انتخاب تبریز به‌عنوان مطالعه‌موردی به‌دلیل تنوع فضاهای عمومی موجود در این شهر و همچنین اهمیت آن به‌عنوان مراکز اصلی جمعیتی و اقتصادی کشور بوده است. در این پژوهش، از روش ترکیبی شامل روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی، با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۴۳ نفر از شهروندان، مدیران بخش خصوصی و دولتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مدیریت فضاهای عمومی شهری در ارتباط بودند، داده‌ها جمع‌آوری شده است. حجم نمونه در بخش کیفی براساس اصل اشباع نظری تعیین شده است. در بخش کمی، پرسشنامه‌ای با ۳۱۸ پاسخ‌گو توزیع شده است که نمونه آماری آن به صورت تصادفی ساده انتخاب شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر از نظر جنسیت، سن و سطح تحصیلات دارای توزیع متنوعی است. ۶۲٫۳ درصد جمعیت پاسخ‌گو را آقایان و ۳۷٫۷ درصد جمعیت را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد فراوانی یعنی ۳۵٫۸ درصد افراد در گروه سنی بین ۳۱-۴۰ سال قرار داشته‌اند، ۳٫۸ درصد افراد کمتر از ۱۸ سال و بیش از ۶۰ سال هستند، ۳۴ درصد افراد در گروه سنی بین ۵۰-۴۱ و ۱۳٫۲ درصد افراد نیز در گروه سنی بین ۳۰-۱۹ سال جای دارند. میزان تحصیلات بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۴۱٫۵ درصد آن‌ها مقطع کارشناسی‌ارشد و ۲۲٫۶ درصد افراد در مقطع دکتری بوده است.

۵- بحث و یافته‌ها

۵-۱- یافته‌های کیفی

در این پژوهش، به‌منظور استخراج مفاهیم پنهان در داده‌های مصاحبه‌ها، از روش تحلیل تماتیک مبتنی بر رویکرد براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶)؛ استفاده شده است. در مرحله نخست، داده‌های مصاحبه‌ها به صورت کامل و دقیق مطالعه شده و سپس فرایند کدگذاری به صورت باز را بر روی کل مجموعه داده‌ها اعمال گردید. این فرایند شامل: شناسایی، نام‌گذاری و طبقه‌بندی واحدهای معنایی در متن مصاحبه‌ها بوده است. در ادامه، با انجام مقایسه‌های مستمر بین کدهای استخراج شده، تم‌های اولیه شناسایی و سپس به صورت نظام‌مند بررسی و تعریف شدند برپایه (شکل ۶). این فرایند تکراری و تعاملی، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با حرکت مداوم بین داده‌ها و کدها، به‌درک عمیق‌تری از مفاهیم پنهان در متن دست یابد.



شکل ۶: چارچوب مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل تماتیک- (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

^۱ Braun & Clarke

به منظور استخراج الگوها و مفاهیم نهفته در داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، فرایند تحلیل تماتیک به صورت چندمرحله‌ای انجام شد. در این فرایند، داده‌ها به طور سیستماتیک کدگذاری شده و سپس کدهای مرتبط با یکدیگر گروه‌بندی شدند تا تم‌های اصلی استخراج گردند. نتایج تحلیل، نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی را می‌توان به ۴ دسته اصلی تقسیم کرد: نقش اجرایی، نقش اجتماعی، نقش برنامه‌ریزی و نقش نظارتی راهبردی-برپایه (شکل ۷).



شکل ۴: ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار بر تبیین نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شهروندان و مدیران شهری، ۴ نقش کلیدی برای مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی-فرهنگی، شناسایی شد. این نقش‌ها که به صورت متقابل و هم‌افزایی عمل می‌کنند، عبارت‌اند از: نقش اجرایی، برنامه‌ریزی، راهبردی/سیاست‌گذاری و تدوین‌کننده و کاتالیزور کیفیت فضاهای عمومی شهری. هریک از این ابعاد به تفکیک معرفی می‌گردد:

❖ **بعد اجرایی:** مبتنی بر کدگذاری مصاحبه‌های کیفی با شهروندان و مدیران شهری، طراحی منظر شهری، افزایش زیبایی و جذابیت بصری شهرها، ایجاد زیرساخت‌های شهری، ارتقاء دسترسی پذیری مطلوب شهر، مدیریت ترافیک، بهره‌وری بهینه از تسهیلات و خدمات از مهمترین نقش‌های مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی در اجتماع شهری است.

❖ **بعد برنامه‌ریزی مدیریت شهری:** بعد برنامه‌ریزی به نقش هماهنگ‌کنندگی، مدیریت، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای عملکردهای شهری و مدیریت شهری دانش‌محور و بین‌رشته‌ای اشاره دارد. در این راستا گروه‌ها و ذی‌نفعان مختلف در راستای دستیابی به هدف مشترک، تضادها را کاهش داده و در مسیر ارتقاء کیفیت فضاهای شهری با تحولات اجتماعی-فرهنگی برنامه‌ریزی می‌کنند.



❖ **بُعد نظارتی-سیاست‌گذاری مدیریت شهری:** مبتنی بر مصاحبه‌های انجام‌شده نظیر نظارت راهبردی، نظارت راهبردی در قانون‌گذاری و اجرای قوانین و سیاست‌گذاری از مهمترین نقش‌های مدیریت شهری معرفی شده است.

❖ **بُعد تدوین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری:** این بُعد نشان‌گر نقش‌های چون مدیریت زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ارتقاء شادی و سرزندگی در جامعه با افزایش زیرساخت‌های سبز، هم‌بستگی و اعتماد اجتماعی، ارتقاء مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت فضای عمومی شهری، همچنین حفظ آرامش شهروندان، حفظ ارزش‌ها، نمادها و میراث ملموس و ناملموس فرهنگی، کیفیت زندگی، کیفیت فضای شهری، رفاه اجتماعی و درنهایت ارتقاء رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری است.

در نتیجه، یافته‌های نظری و کیفی در چارچوب پرسش‌نامه کمی ارزیابی گردید و مؤلفه‌های تبیین‌کننده نقش مدیریت شهری در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی، حفاظت و نگهداری، تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری، و نقش مشارکتی طبقه‌بندی نمود.

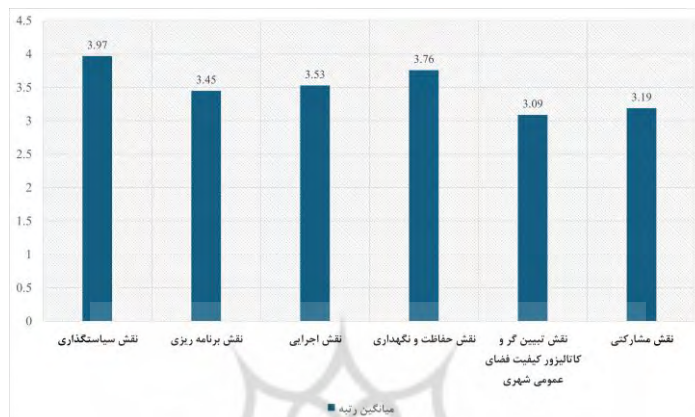
۵-۲- یافته‌های کمی

جهت ارزیابی کمی نقش هریک از ابعاد شناسایی شده در بخش نظری و کیفی پژوهش، پرسش‌نامه‌ای بسته با مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و اجرا گردید. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان و مدیران شهری بخش خصوصی و دولتی ساکن کلان شهر تبریز با نمود اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌دهند. به منظور بررسی روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب، میزان هم‌بستگی درونی گویه‌های پرسش‌نامه را نشان می‌دهد و به عبارت دیگر، میزان توافق پاسخ‌های افراد به سؤالات مختلف پرسش‌نامه را می‌سنجد (حبیب‌پورگتابی و صفری‌شالی، ۱۳۹۴). چنانچه این مقدار بیش‌تر از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است، مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه حاضر برابر با ۰/۹۹۰ بود است که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای ابزار اندازه‌گیری و قابل‌اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده است. با توجه به تأیید پایایی ابزار، تحلیل‌های آماری بر روی داده‌ها انجام شد.

۵-۳- آزمون فریدمن/تحلیل واریانس ۲ طرفه

جهت سنجش اهمیت نسبی مؤلفه‌های تبیین‌کننده نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی، از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد. این آزمون به پژوهشگران امکان می‌دهد تا بدون فرض توزیع نرمال داده‌ها، تفاوت معناداری بین رتبه‌های اختصاص داده‌شده به مؤلفه‌های مختلف را بررسی کنند (همان). در این پژوهش، از پاسخ‌گویان خواسته شد تا به هریک از مؤلفه‌ها براساس یک مقیاس رتبه‌ای امتیاز دهند. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که تفاوت معناداری بین رتبه‌های اختصاص داده شده به مؤلفه‌های مختلف وجود دارد (مقدار آماره آزمون: ۵۴. ۵۸،

سطح معناداری ۰/۰۰۰). این امر نشان می‌دهد که شهروندان و مدیران شهری اهمیت متفاوتی برای مؤلفه‌های مختلف قائل هستند برپایه (نمودار ۱). در ادامه، به بررسی دقیق‌تر رتبه‌بندی هریک از مؤلفه‌ها پرداخته خواهد شد.



نمودار ۱: سنجش میانگین رتبه نقش‌های اصلی مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

براساس نتایج حاصل از آزمون فریدمن، نقش سیاست‌گذاری با کسب بالاترین میانگین رتبه (۳٫۹۷)، و پس از آن نقش حفاظت و نگهداری (۳٫۷۶)، به عنوان مهمترین ابعاد نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی کلان شهر تبریز باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی شناخته شدند برپایه (نمودار ۱). در سطح جزئی‌تر، نتایج تحلیل مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نقش مدیریت شهری نیز حاوی یافته‌های قابل توجهی است. نتایج نشان می‌دهد که «تأمین رفاه و ارتقاء کیفیت زندگی برای ساکنین محلی»، با میانگین رتبه ۶۴٫۸۶، «بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه‌های اجتماعی و فرهنگی شهری»، با میانگین رتبه ۶۲٫۹۰، «تدوین خط‌مشی‌ها برای حل مسائل فضای شهری»، با میانگین رتبه ۶۱٫۲۱، «پشتیبانی و هماهنگی امور سیاست‌گذاری»، با میانگین رتبه ۶۰٫۳۲، به ترتیب با کسب بالاترین میانگین رتبه‌ها، از اهمیت بیشتری در نظر پاسخ‌گویان برخوردار بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شهروندان و مدیران شهری، ارتقاء کیفیت زندگی، توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی و حل مسائل موجود در فضاهای عمومی را از مهمترین اولویت‌های مدیریت شهری در این حوزه می‌دانند. در مقابل، مؤلفه‌هایی همچون «مدیریت دموکراتیک و همه‌شمول فضاهای عمومی شهری»، با میانگین رتبه ۴۱٫۳۰، «غلبه بر موانع موجود»، با میانگین ۴۱٫۸۶، «آماده‌سازی خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد کارآمد و اقتصادی»، با میانگین ۴۳٫۶۰، و «ارائه راهبردهای خلاقانه در رویارویی با چالش‌های فضای شهری»، با میانگین ۴۳٫۹۱، با کسب کمترین میانگین رتبه‌ها، از اولویت کمتری برخوردار بوده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که اگرچه این مؤلفه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار هستند، اما در عمل توجه کمتری به مدیران شهری است. سنجش ارتباط ۲ سویه



بین نقش‌های اصلی مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری به‌منظور سنجش رابطه بین نقش‌های مختلف مدیریت شهری باتأکید بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و یافتن ارتباط همبستگی بین مفاهیم از ضریب همبستگی اسپیرمن برپایه (جدول ۳)، شده است.

جدول ۳: آزمون همبستگی اسپیرمن جهت سنجش ارتباط ۲ سویه بین نقش‌های اصلی مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی- (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تبیین	نقش سیاست‌گذاری	نقش برنامه‌ریزی	نقش اجرایی	نقش حفاظت و نگهداری	نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری	نقش مشارکتی
نقش سیاست‌گذاری	1					
نقش برنامه‌ریزی	.714**	1				
نقش اجرایی	.617**	.860**	1			
نقش حفاظت و نگهداری	.607**	.868**	.860**	1		
نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری	.592**	.815**	.835**	.852**	1	
نقش مشارکتی	.539**	.774**	.764**	.785**	.933**	1

**p<0.01 و *p<0.05

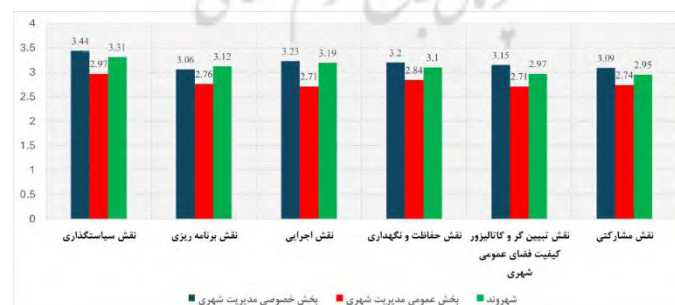
یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی نشان‌دهنده رابطه مستقیم، مثبت و معنادار میان ابعاد و نقش‌های مختلف مدیریت شهری است. نتایج آزمون اسپیرمن، ارتباط بسیار قوی بین نقش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به‌میزان ۰٫۷۱۴، را تأیید می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری مناسب، پیش‌نیاز برنامه‌ریزی مؤثر بوده و بالعکس، برنامه‌های دقیق، سیاست‌های شهری را تقویت می‌کنند. همچنین، نقش اجرایی نیز ارتباط مستقیمی با هر ۲ نقش مذکور دارد (۰٫۶۱۷ با نقش سیاست‌گذاری ۰٫۸۶۰ با نقش برنامه‌ریزی)، که حاکی از اهمیت اجرای بهینه برنامه‌ها و سیاست‌ها در تحقق اهداف مدیریت شهری است. نتایج نشان می‌دهد که این نقش با تمام ابعاد دیگر مدیریت شهری، باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی ارتباط بسیار قوی و معناداری دارد. این امر تأکید می‌کند که حفظ و نگهداری از فضاهای عمومی، نه تنها برای حفظ کیفیت این فضاها، بلکه برای بهبود کلی عملکرد سیستم مدیریت شهری نیز ضروری است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری دارای ارتباط مستقیم، معنادار به‌میزان ۰٫۵۳۹، با ابعاد سیاست‌گذاری، ارتباط مستقیم، معنادار به‌میزان ۰٫۸۱۵، با بُعد برنامه‌ریزی، ارتباط مستقیم، معنادار به‌میزان ۰٫۸۳۵، با بُعد اجرایی، و ارتباط مستقیم، معنادار به‌میزان ۰٫۸۵۲، با بُعد حفاظت و نگهداری می‌باشد. بدین‌سان، نتایج پژوهش حاکی از آن است که نقش مشارکتی نیز در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی مؤثر است. مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها، یکی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء استانداردهای شهری در تالو تحولات اجتماعی-فرهنگی، است. حفاظت از فضاهای عمومی و منابع طبیعی، به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان در اجتماع فرهنگی تأثیر می‌گذارد. همچنین تبیین و کاتالیزوری کیفیت فضای عمومی شهری، به‌طور مستقیم با مشارکت مردمی و سایر ابعاد مدیریت شهری مرتبط است. مقایسه آرای شهروندان و مدیران شهری در

زمینه اهمیت هریک از نقش‌های مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای شهری براساس آزمون آنوا؛ برپایه (جدول ۴)، ابعاد و نقش‌های مختلف در رابطه با مدیریت شهری، از آزمون تحلیل واریانس ۱ طرفه (ANOVA)، استفاده شده است. آزمون آنوا، به عنوان تعمیمی از آزمون (T)، برای مقایسه میانگین‌های بیش از ۲ گروه، ابزاری قدرتمند در تحلیل داده‌های کمی به شمار می‌آید. با بهره‌گیری از این آزمون، امکان مقایسه آماری دقیق میانگین‌های نگرش ۳ گروه مذکور (شهروندان، مدیران بخش دولتی و مدیران بخش خصوصی)، نسبت به هریک از ابعاد و نقش‌های مدیریت شهری فراهم آمده است.

جدول ۴: آزمون آنوا، مقایسه نقش‌های مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی
(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

Sig.	F	Mean Square	Sum of Squares	نقش‌های مختلف مدیریت شهری	
.000	9.282	5.237	10.475	Between Groups	نقش سیاست‌گذاری
		.564	177.727	Within Groups	
			188.202	Total	
.003	5.962	4.791	9.582	Between Groups	نقش برنامه‌ریزی
		.804	253.138	Within Groups	
			262.720	Total	
.000	9.561	8.994	17.988	Between Groups	نقش اجرایی
		.941	296.339	Within Groups	
			314.328	Total	
.034	3.421	2.987	5.973	Between Groups	نقش حفاظت و نگهداری
		.873	275.026	Within Groups	
			280.999	Total	
.013	4.440	3.577	7.153	Between Groups	نقش تبیین‌گر و کاتالیزور کیفیت فضای عمومی شهری
		.806	253.762	Within Groups	
			260.916	Total	
.050	2.855	2.353	4.706	Between Groups	نقش مشارکتی
		.824	259.635	Within Groups	
			264.341	Total	

براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس ۱ طرفه (ANOVA)، تفاوت معناداری ($\text{Sig.} < 0.05$)، در ارزیابی اهمیت نقش‌های مختلف مدیریت شهری بین ۳ گروه شهروندان، مدیران بخش خصوصی و مدیران بخش دولتی مشاهده شده است. این یافته نشان‌دهنده آن است که هریک از این ۳ گروه، دیدگاه متمایزی نسبت به اهمیت ابعاد مختلف مدیریت شهری و تحولات اجتماعی-فرهنگی دارند برپایه (نمودار ۲).



نمودار ۲: هم‌سنجی نقش‌های مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی—(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)



یافته‌های آزمون/نوا نشان می‌دهد که نقش سیاست‌گذاری به‌عنوان مهمترین عامل در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری از سوی همه گروه‌های شرکت‌کننده (شهروندان، مدیران بخش خصوصی و مدیران بخش دولتی)، مورد تأکید در آرشیو تحولات اجتماعی-فرهنگی، قرار گرفته است. به‌ویژه، مدیران بخش دولتی بیشترین اهمیت را برای این نقش قائل هستند (میانگین ۳,۴۴)، که نشان‌دهنده درک عمیق آن‌ها از نقش کلیدی سیاست‌گذاری در هدایت توسعه شهری است. درمورد نقش برنامه‌ریزی، شهروندان بیشترین اهمیت را برای آن قائل هستند (میانگین ۳,۱۲). این امر حاکی از آن است که شهروندان انتظار دارند تا برنامه‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی فضاهای عمومی شهری براساس نیازها و اولویت‌های آن‌ها تدوین و اجرا شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که نقش اجرایی از دیدگاه بخش خصوصی و شهروندان اهمیت بیشتری نسبت به مدیران بخش دولتی دارد. این تفاوت ممکن است به دلیل تفاوت در اولویت‌ها و محدودیت‌های هر گروه باشد. بخش خصوصی و شهروندان (میانگین ۳,۳ و ۳,۱۹)، معمولاً به دنبال اجرای سریع و باکیفیت پروژه‌ها هستند، درحالی که مدیران بخش دولتی ممکن است با محدودیت‌های بودجه‌ای و بروکراسی اداری مواجه باشند. اهمیت نقش حفاظت و نگهداری از فضاهای عمومی نیز به‌ویژه از سوی بخش خصوصی مورد تأکید قرار گرفته است (میانگین ۳,۲۰). این امر نشان‌دهنده اهمیت حفظ سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در فضاهای عمومی و اطمینان از بهره‌برداری طولانی‌مدت از آن‌ها است. نقش تبیین‌گری و کاتالیزوری نیز از سوی بخش خصوصی بیشترین اهمیت را به‌خود اختصاص داده است (میانگین ۳,۱۵). این نشان می‌دهد که بخش خصوصی به دنبال ایجاد ارتباطات مؤثر با سایر ذی‌نفعان و ایجاد انگیزه برای مشارکت در توسعه اجتماعی و فرهنگی فضاهای عمومی است. درمجموع، نتایج پژوهش بر آن است که اگرچه همه گروه‌ها بر اهمیت سیاست‌گذاری تأکید دارند، اما درمورد نقش سایر عوامل مانند: برنامه‌ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری و تبیین‌گری تفاوت‌هایی در اولویت‌بندی وجود دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع مدیریت فضاهای عمومی شهری و لزوم توجه به دیدگاه‌های مختلف در تصمیم‌گیری است.

۶- نتیجه‌گیری

به‌طور خاص، پژوهش موردتبیین باهدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر واکاوی نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان شهر تبریز با تأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی، به بررسی عمیقی از ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است. در گام نخست، با تکیه بر مطالعات نظری گسترده و جامع برای ارزیابی نقش مدیریت شهری در این زمینه تدوین گردید. این چارچوب، ضمن شناسایی شکاف‌های موجود در پژوهش‌های پیشین، به ارائه تعریفی دقیق و جامع از مفاهیم کلیدی پرداخته است. در ادامه، با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی شامل مصاحبه‌های عمیق با شهروندان و مدیران شهری و همچنین پیمایش پرسش‌نامه‌ای، داده‌های غنی و متنوعی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌های کیفی به

شناسایی الگوها و تم‌های اصلی در خصوص درک شهروندان از کیفیت فضاهای عمومی و نقش مدیریت شهری در اجتماع منجر شد. همچنین، تحلیل داده‌های کمی به اندازه‌گیری تأثیر عوامل مختلف بر کیفیت ادراک شده فضاهای عمومی در رویارویی با تحولات اجتماعی و فرهنگی پرداخت. پژوهش حاضر باتکیه بر مطالعات پیشین، به بررسی نقش‌های متنوع مدیریت شهری با اهداف پژوهش ارج نهاده طوری که این مطالعات، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی، بر اهمیت نقش مدیریت شهری مبتنی بر مطالعات اجتماعی و فرهنگی در این حوزه تأکید کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که نیازمند توجه هم‌زمان به عنقش اصلی مدیریت شهری به مثابه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کانالیزورهای کیفیت بخشی، و مشارکت راهبردی می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی و کمی حاکی از آن است که این عنقش به طور مستقیم و تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط هستند و هریک بر دیگری تأثیرگذارند؛ لذا، برای دستیابی به نتایج مطلوب در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری، ضروری است که مدیریت شهری به طور هم‌زمان به تمامی این نقش‌ها در اجتماع توجه کرده و با هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف، اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین می‌توان برای تبیین این مطالعه برپایه (شکل ۸)، برآیند پژوهش را در نظر گرفت.



شکل ۸: تبیین نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باتأکید بر توسعه اجتماعی و فرهنگی (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز) (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تأمل در حاصل نهایی که براساس نظر به دست آمده از فرایند کدگذاری تماتیک و نتایج حاصل از ۳۱۸ پاسخ‌دهنده به دست آمده است، نشانگر پیچیدگی فرایند مدیریت فضاهای عمومی شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و تأکیدی دوباره بر ضرورت توجه هم‌زمان در مطالعات و جنبش‌های



اجتماعی و فرهنگی به مجموعهٔ عبعدی از نقش‌های متنوع مدیریت شهری است. ابعاد و نقش‌های ۶گانهٔ موردبحث مجموعه‌ای جامع از نقش‌های مختلف مدیریت شهری در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری و توجه هم‌زمان به مفاهیم مدنظر شهروندان و مدیران بخش عمومی و خصوصی در اجتماع می‌باشد. باتوجه به ارتباط ۲سویه، مستقیم و بالای این نقش‌ها بر یکدیگر توجه به این ویژگی‌ها و نقش‌ها و تلاش برای درنظرگیری هریک می‌تواند تضمین کنندهٔ ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری باشد. بدین ترتیب حل مسئله مدیریت فضاهای عمومی شهری و کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهری زمانی دست‌یافتنی خواهد بود که در کلان‌شهر تبریز ابتدا آگاهی اجتماعی و فرهنگی لازم نسبت به نقش‌های مختلف؛ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی، حفاظت و نگهداری، تدوین استانداردها و کاتالیزورهای کیفیت بخشی، و مشارکت راهبردی در گام‌های مختلف ایجاد شود و سپس با تحلیل و به کمک شاخص‌های تأیید شده، اولویت و اثرگذاری‌های شناسایی شدهٔ هریک از ابعاد ۶گانهٔ مدیریت شهری در کلان‌شهر تبریز بررسی و بازبینی شده و هم‌سو باهدف کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهری در اجتماع اصلاح شوند. طوری که تنوع نقش‌های مدیریت شهری اهمیت به کارگیری از مشارکت شهروندان و نیز لزوم به کارگیری رویکردی کل‌نگر و جامع و همکاری متخصصین و مدیران شهری و شهروندان را روشن می‌کند تا نتیجهٔ نهایی ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز را توأمان با درنظر داشتن تغییرات اجتماعی-فرهنگی، دربرگیرد. یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت محوری سیاست‌گذاری و حفاظت و نگهداری در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری کلان‌شهر تبریز باتأکید بر توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی توجه دارد. به‌طوری که این نتیجه با مطالعات موردبحث در این جستار هم‌خوانی دارد و لزوم توجه به سیاست‌های نوین و برنامه‌های نگهداری مستمر را برجسته می‌سازد. باین‌حال، مصاحبه‌ها و تجربیات میدانی نشان‌دهندهٔ کم‌اهمیت شمردن مرحلهٔ حفاظت و نگهداری توسط مدیران شهری بوده که به تدریج منجر به کاهش کیفیت فضاهای در اجتماع می‌شود. علاوه بر ۲مؤلفه اصلی، تأمین رفاه و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنین محلی، بهره‌گیری از فرصت‌های توسعهٔ شهری، تدوین خط‌مشی‌های حل مسائل شهری و هماهنگی امور سیاست‌گذاری نیز از اهمیت بالایی برخوردار تشخیص داده شدند. این یافته‌ها حاکی از آن است که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی مستلزم (رویکرد جامع و چندجانبه است تا تمامی ابعاد اجتماعی-فرهنگی، و اقتصادی-سیاسی را درنظر بگیرد. بدین‌سان، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون مدیریت دموکراتیک و فراگیر غلبه بر موانع موجود و ارائهٔ راهبردهای خلاقانه و آماده‌سازی خدمات و تسهیلات لازم در الگوی مدیریت شهری تبریز کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. این امر نشان‌دهندهٔ ضرورت تقویت این ابعاد در جهت ایجاد فضاهای عمومی پویا، پاسخ‌گو و پایدار است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهندهٔ ارتباط متقابل و قوی بین ابعاد و نقش‌های مختلف مدیریت شهری است. این ارتباط به معنای آن است که بهبود (بعد، به‌طور مستقیم بر بهبود سایر ابعاد نیز تأثیرگذار است. این یافته، نوآوری پژوهش حاضر بوده و بر اهمیت نگرش سیستمی به مدیریت شهری تأکید دارد. مشارکت شهروندی به‌عنوان محوری‌ترین عامل

در این ارتباط متقابل شناسایی شده است. هرچه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای پروژه‌ها بیشتر باشد، کیفیت فضاهای عمومی شهری نیز بهبود بیشتری خواهد یافت. این پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری، باید از ظرفیت‌های موجود در جامعه استفاده شود. مقایسه اهمیت نقش‌های مختلف از دیدگاه گروه‌های مختلف نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجهی است. مدیران بخش عمومی بر اهمیت سیاست‌گذاری تأکید بیشتری دارند، در حالی که شهروندان به برنامه‌ریزی اهمیت بیشتری می‌دهند. بخش خصوصی نیز بر نقش‌های اجرایی و تبیین‌گری با نمود تحولات اجتماعی-فرهنگی، تأکید دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نیاز به ایجاد یک گفت‌وگوی مشترک بین همه ذی‌نفعان برای رسیدن به دیدگاه مشترک در مورد اولویت‌ها و راهکارها است.

منابع

- برک‌پور، ناصر. اسدی، ایرج. ۱۳۹۰. *مدیریت و حکمروایی شهری*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- پاکزاد جهانشاه ۱۳۹۵. *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شهیدی.
- دبده، محمد. ۱۴۰۰. *دست‌نویسته‌های از مجموعه آثار معمار دبده (گستره واکاوی در مدیریت شهری با ابعاد مطالعات اجتماعی و فرهنگی)*، تهران.
- رفیعیان، مجتبی، عسگری، علی، و عسگری زاده، زهرا. ۱۳۸۸. *رضایت‌مندی شهروندان از محیط‌های سکونت شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی-علوم محیطی، دوره ۷، شماره ۱، ۶۸-۵۷. صفری شالی، رضا. حبیب‌پور گتایی، کرم. ۱۳۹۴. *راهنمای جامع کاربرد "SPSS" در تحقیقات پیمایشی: (تحلیل داده‌های کمی)*، چاپ ششم، تهران: انتشارات لویه.
- طغرائی، ابوالفضل، رنجبر، احسان. کاظمی، عباس. ۱۴۰۱. *تبیین جایگاه فضای عمومی شهری در دوانگاره مصرف فرهنگی و تولید اجتماعی فضا*، فصلنامه علمی پژوهشی-دانش شهرسازی، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۰-۱۰۱.
- قلندریان گل خطمی، ایمان. ۱۳۹۷. *تبیین مفهوم کیفیت محیط در نو سازی بخش مرکزی کلان شهر مهاباد، شهید، رساله دکتری تخصصی شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران-ایران.*
- Camona, M. 2010. *Contemporary Public Space, Part Two: Classification*, Journal Of Urban Design, 15(2): 157-173.
- Camona, M. 2014. *Re-Theorising Contemporary Public Space: A New Narrative And A New Normative*, Journal Of Urbanism: International Research On Placemaking And Urban Sustainability.
- Chien, H. 2024. *10 New Forms Of Active Citizen Participation To Regenerate Cities*, Varieties Of Civil Society Across Asia, 2.
- De Magalhães, C., Camona, M. 2009. *Dimensions And Models Of Contemporary Public Space Management In England*, Journal Of Environmental Planning And Management, 52(1): 111-129.
- Dempsey, N., Burton, M. 2012. *Defining Place-Keeping: The long-Term Management Of Public Spaces*, Urban forestry & urban greening, 11(1): 11-20.
- Dempsey, N., Smith, H., Burton, M. (Eds.). 2014. *Place-Keeping: Open Space Management In Practice*, Routledge.
- Hallanaro, S. 2024. *Creating A Community: Perceptions Of Cooperation Between The Residents Of Rinnekodit Silta And Owners Of K-Market Kivikko*.



- Jeppesen, S., Andersen, J. E., Madsen, P. V. 2006. *Urban Environmental Managment In Developing Countries-Land Use*, Environmental Health And Pollution Management-A Review.
- Lara-Hernandez, J. A., Coulter, C. M., Melis, A. 2020. *Temporary Appropriation And Urban Informality: Exploring The Subtle Distinction*, Cities, 99, 102626.
- Low, S. M. 2023. *Why Public Space Matters*, Oxford University Press.
- Madanipour, A. (Ed.). 2010. *Whose Public Space?: International Case Studies In Urban Design And Development*, Routledge.
- Praliya, S., Garg, P. 2019. *Public Space Quality Evaluation: Prerequisite For Public Space Management*, The Journal Of Public Space, 4(1): 93-126.
- Randrup, T. B., Persson, B. 2009. *Public Green Spaces In The Nordic Countries: Development Of A New Strategic Management Regime*, Urban Forestry & Urban Greening, 8(1): 31-40.
- Stevens, Q. 2017. *Public Space As Lived*, In Explorations In Urban Design (pp. 303-312), Routledge.
- Tibbalds, F. (2012). *Making People-Friendly Towns: Improving The Public Environment In Towns And Cities*, Taylor & Francis.
- Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., Adli, M. 2021. *Defining Pathways To Healthy Sustainable Urban Development*, Environment international, 146: 106236.
- Zamanifard, H., Alizadeh, T., Bosman, C. 2018. *Towards A Framework Of Public Space Governance*, Cities, 78: 155-165.

